

طی ۱۸ سال گذشته، گزارش‌های متعددی در رابطه با ادعای دروغین آمریکا راجع به ۱۱ سپتامبر منتشر شده و هر سال حقایق جدیدی هم به این پرونده بسیار غریض و طولیل اضافه می‌شود. خوب است بار دیگر ادعای مقامات آمریکاییِ حصول این موضوع را مرور کنیم. واشنگتن پس از این حادثه طی بیانیه‌ای اعلام کرد، ۱۹ هواپیماربا که اعضای گروه تروریستی «القاعده» بودند، پس از درزدیدن هواپیماهای آمریکایی، مرکب این جنایت شدند. این روایت رسمی هر چند سال‌ها تکرار شده، ولی از همان ابتدا و پس از تحقیقات اولیه، غیرقابل‌پذیرش به‌نظر می‌رسید. پرسش‌های فراوان محققان و صاحب نظران حوزه‌های مختلف، روایت آمریکایی‌ها را به چالش کشاند و آن را با تردیدهای بیش‌تری روبه‌رو کرد. اکنون و پس از گذشت ۱۸ سال، از یک طرف هنوز پاسخی حتمی درباره عاملان واقعی این حادثه مشخص نگردیده است و از طرف دیگر، ادعاها در مورد تروریستی بودن این حادثه هم کسی را قانع نمی‌کند.

یک علامت سؤال بزرگ

از جمله مهم‌ترین یافته‌های علمی درباره انفجار برج‌های دوقلوی «منهتن» را کشف ماده منفجره بسیار قوی معروف به «تانورمیت» در خاکسترهای بجا مانده از انفجار و بنای برج دوقلو می‌توان ذکر کرد. پروفیسور «استیون جونز» استاد دانشگاه بیرمنگام، اوقات زیادی را برای انجسام این تحقیقات صرف کرد و پس از کشف موضوع و به چالش کشاندن ادعای مقامات آمریکایی، از ادامه تدریس منع و پس از چندی از دانشگاه نیز اخراج شده است. وی بر اساس یافته‌های خود به این نتیجه رسید که از نوعی ماده منفجره قوی موسوم به «تانورمیت» برای تخریب برج‌های‌دوقلوی منهتن استفاده شده است، به این معنا که پیش از برخورد دو هواپیما به برج این بمب بسیار قوی در نقطه‌ای از ساختمان جاسازی شده بود. بر اساس گزارش‌ها در رسانه‌ها منتشر شد، «جونز» و بسیاری از کارشناسان دیگر که تحقیقات گسترده‌ای را درباره ریزش برج‌های دوقلو پشت‌سر گذاشتند، معتقدند حرارت ناشی از سوخت هواپیما، به هیچ وجه نمی‌تواند عامل فروریختن ساختمان‌های دوقلو بوده باشد. به گفته این کارشناسان، «انفجار مهندسی‌شده» تنها دلیلی است که می‌تواند ریزش این ساختمان‌ها را توجیه کند. اکنون اما پس از گذشت حدود ۱۸ سال، حقیقت‌های تازه‌ای از این اتفاق تروریستی به گوش می‌رسد. «جرج ببی» عضو سابق سازمان «سیا» و تبلیگذار مسائل روسیه، به‌تازگی کتابی را به رشته تحریر درآورده و در آن به افشای‌های جدیدی دست زده است. وی در کتاب خود تصریح کرد: «دو روز قبل از

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

اشاره

روز گذشته حادثه تلخ تروریستی برج‌های دوقلو ۱۱ سپتامبر، ۱۸ ساله شد. هرچند مدت زیادی از آن زمان تاکنون سپری شده، اما همچنان سؤالات زیادی در ارتباط با این ماجرا، برای افکار عمومی آمریکا و جهان وجود دارد. شاید بتوان گفت که ابهامات در رابطه با کیفیت این اتفاق، با گذشت زمان افزایش هم می‌یابد. مطلبی که بسیار اهمیت دارد، فارغ از هر عاملی که در رخ دادن این حادثه نقش داشته، گرایش سیاست خارجی واشنگتن به فاز «تهاجمی» بوده است. پس از ۱۱ سپتامبر، غرب آسیا دستخوش خشونت و لشکرکشی‌های بی‌امان آمریکایی‌ها شد؛ واشنگتن القاعده را عامل انهدام برج‌های دوقلو معرفی و به افغانستان لشکرکشی کرد. طعمه بعدی آمریکا عراق بود و این کشور هم به‌اشغال فنگداران آمریکایی و متحدان واشنگتن درآمد. این اتفاقات، که همه در راستای تقویت هژمونی آمریکا در منطقه صورت گرفته، بر ابهامات واقعه ۱۱ سپتامبر افزوده و این گمانه را تقویت می‌کند که کل ماجرا سناریو بوده است. در مقاله حاضر، برخی روایت‌هایی که در ارتباط با قضیه ۱۱ سپتامبر منتشر شده، مورد توجه قرار می‌گیرد.

سرویس خارجی

صفحه ۸

پنج‌شنبه ۲۱ شهریور ۱۳۹۸

۱۲ محرم ۱۴۴۱ - شماره ۲۲۲۸۰

حادثه ۱۱ سپتامبر انجام شده، مربوط به «دیوید ری گریفین» است. وی به‌طور مستمر و خستگی‌ناپذیری در رابطه با ۱۱ سپتامبر تحقیق کرده و این تحقیقات در ۱۰ جلد کتاب و مقالات متعدد به چاپ رسیده است. گریفین در یکی از کتاب‌های خود به نام، «۱۱ سپتامبر، افسانه و واقعیت» نوشته است: «با توجه به بسیاری از دلایل، حادثه ۱۱ سپتامبر که تا کنون با استفاده ازاری از احساسات مردم، یک اتفاق تروریستی محسوب می‌شود، افسانه‌ای است که با واقعیت سازگاری ندارد».

«گریفین» همچنین در سپتامبر ۲۰۰۸

بنابراین، در مقام نتیجه‌گیری، باید پذیرفت که آنچه پیرامون موضوع ۱۱ سپتامبر رخ داده، تنها ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های آمریکا بوده است. این نقشه‌ای بوده تا سرزمین‌های استراتژیک به سیطره و سلطه آمریکا درآیند. از دید آمریکا، افغانستان اهمیت فراوانی در حوزه جغرافیای سیاسی دارد.

آمریکا در نقاطی از افغانستان که از لحاظ استراتژیک بر اهمیت است، پایگاه‌های هوایی ایجاد کرده، سازمان سیا به‌واسطه مواد مخدر، به پول‌های کلان و غیرقانونی رسیده و وال‌استریت از تجارت غیرقانونی مواد مخدر، سود کلانی به جیب زده است.

باید تصریح کرد که از زمان شکل‌گیری آمریکا تاکنون، این کشور جنایات بزرگی را در نقاط مختلف جهان مرتکب شده است؛ از ژاپن گرفته تا ایران، افغانستان و آمریکای لاتین. واشگتن حتی به مردم خود هم رحم نکرده است. در آن بین، آمریکا برای توجیه سلطه‌گری خود بر سایر کشورها، مبارزه با تروریسم را علم کرده است. طی ۱۸ سال گذشته در حالی که ماشین جنگی آمریکا مشغول تخریب و نابودی منطقه بوده است، شیوهرای تبلیغاتی این کشور دالما و مرتباً اعلام کرده‌اند که هدف این حملات، نابودی گروه‌های تروریستی و امن‌تر شدن جهان برای زندگی بهتر است!

افغانستان پس از گذشت ۱۸ سال، هنوز روی آرامش به خود ندیده و شرایط امنیتی و معیشتی مردم به بدترین وضعیت رسیده است. واشگتن برای اینکه ملت خود را در مورد اشغال افغانستان قانع کند، یک حمله تروریستی بسیار سخت ترتیب داد و عواطف و احساسات عمومی را تحریک کرد. مردم افغانستان به چشم خود می‌بینند که پس از گذشت سال‌ها و حضور ده‌ها هزار نیروی خارجی در افغانستان، اوضاع این کشور نه تنها خوب نشده، بلکه روز به روز بدتر هم می‌شود.

جمهوری‌خواه خلق وجود دارد. عامل پیروزی «اکرم امام اولغو» در انتخابات شهرداری شهر استانبول کردها بودند و این رنگ خطری برای حزب عدالت و توسعه اردوغان محسوب می‌شود. اردوغان در سازماندهی حزب عدالت و توسعه مشی اقتدارگرایانه را به نمایش گذاشته و نوعی فردگرایی در عرصه قدرت و حکومت‌داری را تقویت کرده است. وی می‌تواند با کیش شخصیتی خود تأثیر عمده در حزب عدالت و توسعه را به نمایش بگذارد. کاکایی همچنین اظهار داشت: اردوغان شگردهای متعددی درمواقع حساس داشته است و با امنیتی کردن فضای انتخابات‌ترکیه در چند دوره گذشته عملاً توانسته است حزب عدالت و توسعه را به سمت

اردوغان و ریزش‌های حزب حاکم



پیروزی سوق دهد. نتایج آرای حزب حزب عدالت و توسعه در انتخابات پارلمانی و ریاست جمهوری و هم در همه‌پرسی قانون اساسی نزدیک به هم بوده است اما درنهایت حزب عدالت و توسعه پیروز شد و توانست سکان قدرت را در ترکیه نگه دارد.

آزمون و تجربه سیاسی که اردوغان در این سال‌ها کسب کرده سبب شده که برخی از تحلیلگران سیاسی، توانایی وی در سازماندهی حزبش را مورد توجه قرار دهند و این بحث مطرح شود که اردوغان در هدایت و مهار قدرت همچنان توانمند است و می‌تواند حزب را قدرتمند نگه دارد.

به گفته کاکایی، روش حکومت‌داری اردوغان در چند دور گذشته همواره مبتنی بر اصل اقتدارگرایانه بوده است. اردوغان در سمت و سو دادن به حزب و بسیج آرا عمومی در میان طرفدارانش و معانعت از به خوردن ترکیب سیاسی موفق است اما انتقادهای جدی از سوی مخالفان نخبگی و سیاستمداران ترکیه نسبت به رفتار داخلی و خارجی اردوغان و شیوه اقتدارگرایی که نوعی سلطانیسم را به نمایش می‌گذارد وجود دارد. این موضوع می‌تواند شرایط ساختار سیاسی در ترکیه را به سمت و سوی دیگر هدایت کند. منبع: خبرگزاری جمهوری اسلامی



حقایق دیگری که در این کتاب به چاپ رسیده، عبارتند از: «تلاش‌های مستمر حکومت سعودی برای جلوگیری از افشای کامل روابط ریاض با ربابندگان هواپیماها» و «کمک و حمایت برخی مسئولان در وزارت اوقاف سعودی به ربابندگان». در کتاب مذکور تأکید شده که به موجب این

ترامپ در آرزوی جنگ ستارگان جدید

نظامی نیروهای مسلح را کافی نمی‌داند و به همین دلیل ایجاد نیروی نظامی در فضا را دنبال می‌کند. این نگاه تحلیلی گذشته از موضوع زباله‌های فضایی و نابودی ماهواره‌ها، در گری در فضا را هم برای کشورهای متخاصم و هم برای کل بشر و کره زمین خطرناک می‌داند زیرا این عرصه برای هدایت امور مختلف ارتباطی بر روی زمین به شدت ضروری است. روزنامه «گاردین» نیز اعلام تشکیل فرماندهی نظامی در فضا را نشانه‌ای از آماده شدن ترامپ برای راهاندازی دور جدیدی از نزاع بر سر مدارهای فراز زمین دانست و افزود این فرماندهی جدید هراس‌ها از آسیب پذیری ماهواره‌های قدرتهای جهانی را بیشتر می‌کند که البته این امر خود می‌تواند محرکی برای وقوع یک جنگی واقعی باشد.

ترامپ در مراسمی در واشنگتن وظیفه این فرماندهی را دفاع از منافع حیاتی آمریکا در فضا خواند که به عرصه تازه‌ای از جنگ تبدیل می‌شود. رئیس‌جمهوری آمریکا وظیفه شاخه جدید نیروی نظامی آمریکا را محافظت از ماهواره‌های کشورش و مقابله با موشک‌های پرتاب شده از سوی دیگر کشورها عنوان کرد. تارنمای نشریه «گلوبال نیوز» در گزارشی بر این اعتقاد است که هدف از تشکیل ارتش فضایی آمریکا مقابله با تسلیحات لیزری ضدم ماهواره‌ای است که چین و روسیه در اختیار دارند. گاردین این موضوع که ترامپ فضا را عرصه جنگی جدیدی توصیف کرده است خطرناک دانست و افزود ماهواره‌های مسلح به لیزر، گنیزده‌های فرکانس‌های رادیویی، اسپری‌های شیمیایی و حتی ربات‌های مسلح از جمله تسلیحات‌فرامینی هستند که اطلاعات چندانی از وجود آنها در ارتش‌های قدرتهای جهان در دسترس نیست.

در سال ۱۹۶۷ معاهده فضای بیرونی یا ماواری جو با هدف جلوگیری از نظامی شدن فضا از طریق ممنوعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای در مدارهای دور زمین به تصویب رسید. اما اکنون ارتباط فناوری‌های ساده‌تر و نگرش دولت‌های ملی‌گرا در حال تبدیل فضا به جبهه جدیدی برای نبرد هستند. روزنامه ایندپندنت هم عنوان داشت قلمروی جنگی دانستن فضا از سوی ترامپ مورد انتقادهای گسترده‌ای قرار گرفته است. کارشناسان این نگرش را زیاده روی در بحث‌های امنیتی دانسته‌اند که میلیارد‌ها دلار را به راه با مالیات دهندگان آمریکایی تحمیل می‌کند. به اعتقاد تحلیلگران که فرض آنکه جنگی در فضا شکل بگیرد نظامی سازی این حوزه بر خطرات یک جنگ هسته‌ای می‌افزاید. بر این اساس در دوره‌ای که ترامپ از توافق‌های کنترل تسلیحات کنار می‌کشد و مسابقه تسلیحاتی نوینی را به راه می‌اندازد نیازی وجود ندارد که بر تهدید جنگ‌های هسته‌ای هم افزوده شود. تحلیل گران و رسانه‌های جهان به ویژه در آمریکا بر این اعتقادند طرح مورد نظر ترامپ برای ایجاد نیروی فضایی، بیشتر از گذشته موجب تحریک روسیه و چین در مسیر افزایش توان نظامی آنها به ویژه در فضا می‌شود. اگرچه واشنگتن نگران توانایی این کشورها است اما تجربه پیشین جنگ ستارگان نشان داد که دامن زدن به مسابقه تسلیحاتی در فضا تنها موجب اتلاف سرمایه‌ها و گسترده‌تر شدن رقابت‌های نظامی و افزایش تهدیدها برای هر دو طرف می‌شود.

می‌تواند در کنار وظیفه فضایی خود خدماتی متمایز را به

نیروهای هوایی، زمینی و دریایی هم ارائه کند. ترامپ چندماه قبل ژنرال «جان ریومن» را به عنوان نخستین فرمانده نیروی نظامی فضایی آمریکا به سنا معرفی کرده بود. رئیس‌جمهوری آمریکا سال گذشته و هنگام ارائه بودجه نظامی بیش از ۷۰۰ میلیاردی برای سال ۲۰۱۹ در قانون «اختیارات دفاع ملی» هم به صورت رسمی عرصه فضا را در کنار زمین و دریا میدان‌های جنگی توصیف کرد. دونالد ترامپ تنها حضور در فضا را کافی ندانست، بلکه لزوم تقویت توانایی نظامی واشنگتن برای سیطره بر این عرصه را مورد تأکید قرار داد.

به تازگی ژنرال فوق به عنوان فرمانده این مرکز نیز به صورت تلویحی رقبای آمریکا را به تقویت توانایی نظامی در

«دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا، به صورت رسمی تشکیل مرکز نظامی جنگ فضایی در آمریکا را اعلام کرد. تحلیلگران تبدیل شدن فضا به میدانی برای جنگ را دلیل تشدید رقابت‌های تسلیحاتی و نابودی احتمالی زمین اریزایی می‌کنند.

رئیس‌جمهوری آمریکا پس از نزدیک به یک سال و نیم، برنامه خود را مبنی بر ایجاد نیروی نظامی ویژه آمریکا در فضا اجرائی کرد و در این مسیر چند روز قبل مرکز فرماندهی جنگ فضایی را تأسیس کرد. وی که از سال قبل به دنبال گسترش توانایی نظامی آمریکا در این حوزه بود و تشکیل نیروهای فضایی را به عنوان ششمین شاخه نیروهای مسلح این کشور در دستور کار کاخ سفید قرار داده بود. گفتنی است این مرکز فرماندهی پیش از این هم از



فضا متهم و تأکید کرد فضا به یک قلمروی جنگی نوینی تبدیل شده است.

تشدید رقابت تسلیحات فضایی

اگرچه بسیاری از تحلیلگران این اقدام واشنگتن را عاملی برای تشدید مسابقه تسلیحاتی و کشانده شدن فضا به عرصه رقابت میان قدرتها همچون طرح‌های متوهمانه (جنگ ستارگان) «رونالد ریگان» رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا می‌دانند اما ترامپ علت این تصمیم را پاسخ دادن به برنامه‌های دشمنان واشنگتن در نظامی کردن مدارهای فضایی عنوان کرد. ترامپ سال گذشته فضا را در زمره عرصه‌های نوین نبرد میان آمریکا و دیگر قدرتها دانست و بر ضرورت افزایش توان این کشور در حوزه فضا تأکید کرد. این تصمیم در حالی گرفته شد که معاهدات بین‌المللی با صراحت، نظامی کردن فضا را ممنوع کرده‌اند اما ازآنجاکه رئیس‌جمهوری آمریکا تقریباً با هر مقررات و پیمانی که برخلاف میل و منافع مورد نظرش باشد مخالفت می‌کند، به استقرار سلاح و نیروهای فضایی در جو به عنوان یک ابزار برتری بخش به واشنگتن می‌نگرد و به دنبال اجرای آن است. به گزارش ایرنا، سال گذشته نشریه «شتال پست» بااشاره به طرح خطرناک ترامپ برای فضا عنوان داشت که رئیس‌جمهوری آمریکا با رویکردی خطرناک پنج شاخه

سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۰۲ میلادی مشغول به فعالیت بود اما ۱۷ سال قبل تغییر رویکردهای تهاجمی و نظامی آمریکا به ویژه اولویت یافتن امنیت داخلی و احساس تک قطبی شدن نظام بین‌الملل باعث شد تا واشنگتن فعالیت آن را متوقف کند. به اعتقاد تحلیلگران نگرانی از پیشرفت‌های چین و روسیه در این حوزه موجب تغییر دیدگاه‌های مقام‌های ارشد آمریکا شده است.

طرح فوق سال گذشته با مخالفت نیروی هوایی و برخی قانونگذاران آمریکایی روبرو شده بود و اکنون فرماندهی مشترک نیروهای فضایی آمریکا، به عنوان شاخه‌ای مجزا از نیروی هوایی اما تحت فرمان پنتاگون عمل می‌کند و تقریباً تمامی فعالیت‌های فضایی ایالات متحده را تحت پوشش قرار می‌دهد. در این چارچوب نیروهای فضایی، در کنار ارتش، نیروی هوایی، دریایی، گارد ساحلی و فنگدگران دریایی تحت نظر یک فرماندهی کل فعالیت خواهند کرد.

بخشی از وظایف این نیروهای جدید تکمیل امکانات و تقویت سیستم موقعیت یاب جهانی (GPS) و کمک به رهگیری و مقابله با سلاح‌های موشکی و تسهیل ارتباط نظامیان و فرماندهان آمریکایی در میدان‌های نبرد عنوان شده است. به نوشته روزنامه «ایندپندنت» اگرچه وظیفه این فرماندهی از نیروی هوایی آمریکا مجزا است اما درواقع